

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

تی یری میسان - par Thierry Meyssan

برگردان از: حمید محوی

۰۲ فبروری ۲۰۱۵

دگرگونی منافع ایالات متحده در شامات

در حالی که جنگ علیه سوریه در سال ۲۰۰۱ برای شکستن «محور مقاومت» و برای دست یابی به ذخائر گاز و ترسیم مجدد «خاورمیانه بزرگ» طرح ریزی شده بود، اولویت های واشنگتن دچار دگرگونی شده است. هدف تازه واشنگتن متوقف ساختن تروریسم است. زیرا از این پس هیچ یک از دولت هائی که چنین روندی را پشتیبانی می کردند دیگر قادر به کنترل آن نیستند. مجتمع نظامی و صنعتی، مقامات عالی واشنگتن و رسانه های بزرگ از این پس خواهان پیروزی سوریه و بشار اسد هستند.

شبکه بین المللی ولتر / دمشق (سوریه) / ۲ فوریه ۲۰۱۵



در حالی که به ریاست سرگئی لاوروف طی دو روز مذاکره بین دولت سوریه و ۳۲ مسؤول اپوزیسیون در مسکو برگزار شد، تقریباً همه در واشنگتن خواهان پیروزی بشار اسد هستند. تنها احزابی که خواهان اصل مبارزه علیه جهاد طلبان هستند می توانند در دولت اتحاد ملی آینده شرکت کنند.

وضعیت شامات مستعد تحولات سریعی به نظر می رسد، از یکسو به دلیل بحران قدرت در واشنگتن و از سوی دیگر به علت جلوس شاهزاده سلمان بر تخت سلطنت آل سعود. این تحولات می تواند با تغییرات سیاسی در اسرائیل با سهولت بیشتری تکوین یابد.

۱- نخست، بحران قدرتی که ایالات متحده را فلج ساخته به بسیج طبقه رهبری ادامه می دهد. پس از فراخوان رئیس افتخاری شورای روابط خارجی (Council on Foreign Relations) برای رئیس جمهور اوباما که شخصیت های با تجربه را از هر دو جبهه پیرامون خود به خدمت بگیرد (۱)، نیویورک تایمز مقاله ای (۲) را به تفسیر گزارشی که در ماه اکتوبر توسط Rand Corporation (اتاق فکری برای اصلاحات امور سیاسی که در سال ۱۹۴۵ بنیانگذاری شد) منتشر شد اختصاص داده است (۳).

اصل اتاق فکری که به مسائل نظامی اختصاص دارد طی یک سال چرخش ۱۸۰ درجه ای انجام داد. به گفته این اتاق فکری، پیروزی جمهوری عرب سوریه از این پس «مطلوب ترین گزینش» برای ایالات متحده است، در صورتی که سرگونی آن «بدترین وضعیت» را در پیش خواهد داشت. گروه های مسلح هر گونه پشتیبانی از سوی مردم شهر نشین را از دست داده اند، از یک سال پیش ترک جبهه دائمی بوده است و ارتش عرب سوریه همچنان روند آزاد سازی کشور را پی گیری می کند.

اتاق فکری در گمانه زنی خود ادامه می دهد و بر این باور است که، از سوی دیگر پیروزی سوریه تا وقتی که داعش در عراق باقی بماند به نفع ایران تمام نخواهد شد و پیشبینی می کند که دولت هائی که تا کنون از جهاد طلبان پشتیبانی کرده اند، کمک های خودشان را متوقف خواهند کرد. در واقع، دیگر نمی توانند با به کار بردن چنین شیوه ای سوریه را شکست دهند و می ترسند که جهاد طلبان علیه خود آنها اقدام کنند. اتاق فکری نتیجه می گیرد که راه حل در مذاکره با کشورهای نیست که روی جهاد طلبان سرمایه گذاری کردند، بلکه پیروزی قطعی «رژیم» راه حل نهائی خواهد بود که ایالات متحده باید با آن شریک شود.

در اینجا دگرگونی رادیکال موضع گیری مجتمع نظامی و صنعتی را می بینیم. یک سال پیش، همین اتاق فکری با بمباران سوریه مانند بمباران لیبیا موافق بود که می بایستی با مداخله محدود در زمین همراه باشد تا «انقلابی ها» مناطق نفوذی و آزاد شده خودشان را ایجاد کنند. امروز به شکل ضمنی می پذیرد که در سوریه هرگز جنبش انقلابی وجود نداشته، و پس از مدت ها تردید در مورد آینده سوریه، بر این باور است که اکثریت سنی دوباره پشتیبان جمهوری لائیک شده اند.

فضای امروز در واشنگتن شبیه آغاز سال ۲۰۰۶ است، یعنی وقتی که ارتش نیروی زمینی در باتلاق افغانستان و عراق فرو رفته بود و دونالد رامسفلد سعی می کرد شکست را پنهان کند. در آن دوران، کنگره هیأت بکر همیلتون Baker-Hamilton را ایجاد کرد. این هیأت پس از هشت ماه بررسی نتیجه گرفت که نیروهای ایالات متحده برای ایجاد ثبات در کشورهای که به اشغال درآورده اند بی آن که از کمک های ایران و سوریه برخوردار باشند نمی توانند توفیقی به دست آورند. تابلوی وضعیت نظامی که به نمایش گذاشته بود به اندازه ای اسفناک بود که امریکائی ها جرج بوش را در انتخابات نیمه دوره ای مجازات کردند. در نتیجه رئیس جمهور، رامسفلد را فداء کرد و به جای او یکی از اعضای هیأت یعنی رابرت گیتس Robert Gates را برگزید. وزیر دفاع جدید با تهران و دمشق در منطقه به توافقاتی رسید، گروه های اصلی مقاومت عراق را خریداری کرد (هویج) و شمار قطعاتش را در محل افزایش داد (باتون) تا وضعیت به حالت ثبات بازگردد.

۲- دومین مورد، در عربستان، پادشاه جدید سلمان ابتداء سعی کرد تمام طرفداران پادشاه پیشین را برکنار سازد، حتی شاهزاده مطعب و دبیر کل کاخ را دو ساعت پس از مرگ شاه عبدالله برکنار کرد. ولی پس از این که از سوی فرمانروایش ایالات متحده پیغام تسلیت دریافت کرد، سپس، به روی فرامینی که صادر کرده بود بازگشت و تصمیمش را عوض کرد. به طور مشخص، مطعب تنها بازمانده دوران گذشته است، در حالی که شاهزاده بندر برکنار شد. شاهزاده بندر به کمک سازمان سیا مدیریت داعش را به عهده داشت، به شکلی که منافع قبیله سدیری ها را به شاه عبدالله یادآور می شد و او را تحت فشار قرار می داد.

برکناری او، خواست رئیس جمهور اوباما بود که احتمالاً پایان تسلط سعودی ها را روی تروریسم بین المللی رقم می زند. این بار — برای چهارمین بار — باید به شکل قطعی صورت بگیرد :

اولین بار- در سال ۲۰۱۰ شاهزاده می بایستی به خاطر کودتائی که سازماندهی کرده بود برکنار شد، ولی به نفع جنگ علیه سوریه دوباره به میدان آمد.

دومین بار- در سال ۲۰۱۲ او قربانی سوء قصدی در پاسخ به قتل اعضای شورای سوریه برای امنیت ملی شد، ولی یک سال بعد در حالی که ضعیف شده بود دوباره اداره امور را به دست گرفت.

سومین بار- در سال ۲۰۱۴، جان کری دوباره خواستار برکناری او شد، ولی به نفع بحران مصر دوباره به صحنه آمد.

چهارمین بار- در حال حاضر او توسط قبیله خودش قربانی شد، یعنی موردی که هیچ چشم اندازی برای بازگشت او در کوتاه مدت و دراز مدت بر جا نمی گذارد.

۳- سومین مورد، حمله اسرائیل به حزب الله است که به پاسخ تلافی جویانه حزب الله علیه اسرائیل انجامید، به شکل متناقضی ضعف بنیامین نتانیا هو را در بحبوحه دوران انتخابات آشکار می سازد. نخست وزیر در پایان خدمت امیدوار بود که مقاومت لبنان قادر به پاسخگویی تلافی جویانه نیست و او پیروزمندانه از این برخورد بیرون خواهد آمد. اشتباه در محاسباتش می تواند به بهای مقامش تمام شود، که از سوی دیگر موجب خرسندی کاخ سفید خواهد بود زیرا از مدت ها پیش در مقابل فناتیسیم او نا رضایتی اش را پنهان نمی کرد.

در مورد سیر تحولی واشنگتن، ریاض و شاید به زودی در تل آویو، می توانیم به شکل منطقی نتیجه بگیریم که در ماه های آینده ایالات متحده با تمرکز تلاش هایش روی حذف داعش در شامات و با بیرون کشیدن از منطقه نفوذی اش، این سازمان را علیه روسیه و چین بسیج خواهد کرد. عربستان سعودی نیز به سهم خود باید برای نجات اقتدارش نزد همسایگانی مانند بحرین و یمن بکوشد و در عین حال به بازنده بزرگ جنگ علیه سوریه، یعنی رئیس جمهور رجب طیب اردو خان کمک کند زیرا ایالات متحده تصمیم گرفته است که او را سرنگون کند.

این سیر تحولی مبتنی بر نتایج انتخابات تل آویو کمابیش طولانی خواهد بود. گرچه جهاد طلبان به تهدیدی برای ثبات تمام کشورهای شامات و حتی خود اسرائیل خطرناک به نظر می رسند، ولی آقای نتانیا هو می تواند همچنان نیروی هوایی و بیمارستان هایش را در خدمت آنها قرار دهد. ولی به سختی می توانیم تصور نمائیم که در وضعیتی که تمام کشورهای منطقه علیه آنها مبارزه می کنند، او نیز در موضع گیری خود پافشاری کند. به عکس، در صورتی که نخست وزیر انتخابات را ببازد، جانشین او فوراً به ایالات متحده در مبارزه علیه جهاد طلبان خواهد پیوست.

یک بار دیگر، دمشق کهن ترین شهر مسکونی جهان از یورش بربرهائی که برای تخریب آن کمر بسته بودند جان سالم به در برد.

(۱) تی پری میسان . شورش واشنگتن علیه اوباما. شبکه ولتر، ۲۶ ژانویه ۲۰۱۵

<http://www.voltairenet.org/article186546.html>

] ۱ [[Shifting Realities in Syria](#) , “The Editorial Board , *The New York Times Sunday Review* , ۲۴ janvier 2015.

] ۲ [*Alternative Futures for Syria. Regional Implications and Challenges for the United States* , Andrew M. Liepman, Brian Nichiporuk, Jason Killmeyer, Rand Corporation, October 22, 2014.

پی نوشت مترجم :

در مورد دگرگونی منافع ایالات متحده در شامات، و خاصه در رابطه با جهاد طلبان، با تحلیل تی تیری میسان به این نتیجه می رسیم که امریکا با بشار اسد آشتی می کند که سوریه را تماماً در اختیار گیرد و سیاست یک بام و دو هوا نیز ادامه خواهد داشت، در این صورت مبارزه علیه جهاد طلبان صرفاً جزئی به نظر می رسد و این گروه های تروریستی همچنان در خدمت امپریالیست ها باقی خواهند ماند و علیه روسیه، چین و ایران و حتی هند بسیج خواهند شد. در این چشم انداز می توانیم حدس بزنیم که تداوم رویدادهائی مانند شارلی هبدو نیز می تواند در فرانسه و هر کشوری دیگری ادامه یابد.

Note du traducteur

Au sujet de « **Bouleversement des intérêts US au Levant** » avec les analyses de Thierry Meysan, nous pouvons conclure que finalement la politique du deux poids deux mesures continuerait à œuvrer sur le champ de la lutte contre les jihadistes ne serait que partielle. Autrement dit, les Etats Unis en s’alliant avec Bachar Assad veulent transformer toute la Syrie comme leur propre terrain de jeu, et prévoient un autre programme pour leurs fantassins « jihadistes » : engendrer de nouvelles guerres civiles contre la Russie, La Chine, l’Iran, mais aussi l’Inde ainsi que l’établissement de l’Etat Islamique là où ils s’installent avec ses conséquences néfastes et mortelles pour les habitants. Dans cette perspective ; et pour le bien être du système capitaliste, nous pouvons s’attendre à ce que les « Charlie Hébdos » puissent se reproduire aussi bien en France que dans n’importe quel autre pays du monde

گاهنامه هنر و مبارزه

۱ فیبروری ۲۰۱۵

Bouleversement des intérêts US au Levant